

بازبینی کل دوره آموزش اخلاق پزشکی در سطح PhD و پیشنهاد اساسی برای بهبود تربیت متخصصین و محققین اخلاق پزشکی

مجری: دکتر سید ضیاءالدین تابعی

گروه: فلسفه، اخلاق پزشکی و علوم زیستی

سال شروع: ۱۳۹۱

سال پایان: ۱۳۹۲

چکیده

مقدمه

در سال ۱۳۸۴ دانشگاه علوم پزشکی تهران دوره MPH با گرایش اخلاق را تأسیس نمود و پس از آن در سال ۱۳۸۷ اولین دوره دانشجویان دکترای تخصصی PhD اخلاق پزشکی پذیرفته شدند. در حال حاضر سه دانشگاه علوم پزشکی تهران، علوم پزشکی شهید بهشتی و علوم پزشکی شیراز تربیت دانشجویان این دوره را بر عهده دارند. با توجه به آنکه سه دوره از دانشجویان دکترای اخلاق پزشکی (PhD in Medical Ethics) مقطع آموزشی خود را به اتمام رسانده و امتحان جامع پایان دوره را گذرانده‌اند، این برنامه در زمان مناسبی برای اجرای ارزشیابی قرار دارد تا چرخه برنامه را تکمیل کرده و ارتقاء یابد. به همین منظور بازنگری دوره در قالب طرح تحقیقاتی مصوب فرهنگستان علوم پزشکی کشور انجام گردید.

روش‌شناسی

برای اجرای این ارزشیابی، دوره برگزارشده، از دید ۴ گروه از ذی‌نفعان مورد مذاقه قرار گرفت. این چهار گروه عبارت بودند از مدیران و سیاست‌گذاران وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، معاونین آموزشی و مدیران برگزارکننده دوره، مدرسین گروه‌های آموزشی و دانشجویان. بر اساس مدل ۶ مرحله‌ای کرن، گام آخر برای تکمیل فرآیند یک دوره و برنامه درسی ارزشیابی استفاده شد.

یافته‌ها

پیامدهای مورد انتظار و توانمندی‌های خروجی واضح نبوده و با برنامه درسی تناسب ندارد. میان دانشجویان و مدرسان و مدیران برنامه در مورد سطح اهداف یا میزان توانمندی‌های لازم در هنگام فارغ‌التحصیلی توافقی وجود ندارد. وجود چنین توافقی می‌تواند بخشی از کاستی برنامه مدون را پوشش دهد.

مدیران آموزشی نیز مشکلاتی بر سر اجرای دوره توصیف کردند که از جمله ماهیت میان‌رشته‌ای دوره و فقدان تجربه همکاری مدون و نظام‌مند، چالش‌های مقرراتی و کمبود منابع اعم از مالی و انسانی را می‌توان نام برد. از دید مدرسین دوره نیز مشکلاتی مطرح‌اند که مهم‌ترین آن فقدان سازوکار نظام‌مند برای طراحی دروس و عدم تناسب محتوای برنامه درسی با اهداف مفروض برای فارغ‌التحصیلان است. به باور صاحب‌نظران آموزشی سیاست تربیت دانشجوی دکترای تخصصی PhD با ظرفیت بالا از جمله عواملی است که گرچه در دید اول منجر به افزایش اهمیت و اعتبار یک‌رشته می‌شود و کاستی‌ها و خلأهای موجود

و حس شده در آن تخصص را پوشش می‌دهد اما در درازمدت می‌تواند به افت کیفیت آموزش و عدم دانش و مهارت لازم در فارغ‌التحصیلان این مقطع بیانجامد و اعتبار و کارایی رشته را مخدوش نماید. برای این امر دلایل متعددی مطرح است از جمله کمبود منابع، آزمون ورودی به‌صورت رقابتی و هنجار ملاک، جذب افراد فاقد صلاحیت کافی یا بدون علاقه به زمینه کاری رشته، عدم شفافیت ملاک‌های مصاحبه شفاهی، ظرفیت اعلام‌شده متمرکز بدون نیازسنجی واقعی و ضرورت شکل‌دهی سریع به رشته که لزوم ارتقاء کیفیت و توجه به تجارب گروه‌های آموزشی در راستای تغییر در میزان و نحوه پذیرش را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

بحث و نتیجه‌گیری

ارتقاء اخلاق پزشکی در کشور نیازمند بذل توجه و همراهی در سطوح بالای مدیریتی هستند. این پیشنهادها در خصوص تعیین هدف از تربیت نیروی متخصص و توانمندی‌های مورد انتظار از آنان، نحوه اجرای برنامه و سیاست‌های پذیرش دانشجو قابل طرح هستند.

ارتقاء دوره نیاز به تصویب دستورالعمل‌های لازم در کمیته‌های ذی‌ربط وزارتی و دانشگاهی ناظر به تفاوت ماهوی اخلاق پزشکی با سایر رشته‌های علوم پایه دارد. از طرف دیگر سیاست‌های پذیرش دانشجو بایستی با توجه به بازتعریف آستانه خصوصیات شخصیتی (General Characteristics)، دانش، سوابق و تجربه لازم برای ورود به دوره، تعیین حداکثر سقف پذیرش با توجه به منابع و کیفیت آموزش، تعیین ملاک‌های حداقلی برای ورود به دوره، برقراری توازن میان کیفیت ورودی‌های دوره و تعداد موردپذیرش، پذیرش از سایر مجاری ورودی با توجه به نقش‌ها و توانمندی‌های تعریف‌شده مانند پذیرش مرحله کتبی از طریق آزمون دستیاری، یا تصمیم به پذیرش دانشجو از سایر رشته‌های گروه پزشکی و رشته‌های مرتبط علوم انسانی موردبازنگری قرار گیرند.

درعین حال می‌توان با طراحی دوره‌های مختلف در سطوح گوناگون به‌منظور بسط نظری و توسعه دانش اخلاق پزشکی هم‌زمان با پاسخگویی به نیاز متخصصین بالینی در رشته‌های تخصصی و سایر رشته‌های وابسته به پزشکی، اقدام نمود.

کلیدواژه: بازبینی، آموزش اخلاق پزشکی، PhD، بهبود تربیت متخصصین، برنامه درسی.